

# مجموعه کازرونیه و کازرون شناسی

## در گفت و گو با عمادالدین شیخ الحکمایی

اشاره:

اخیرا چهار جلد کتاب به عنوان سری اول از مجموعه آثار فارس پژوهی، از سوی انتشارات کازرونیه منتشر شده است. نظر به اهمیت این مجموعه و کیفیت ارائه آن، بر آن شدیم تا با آقای شیخ الحکمایی مدیر این انتشارات در باب انگیزه‌ها، اهداف و برنامه‌های آینده نشر کازرونیه گفت و گویی انجام دهیم. این گفت و گو توسط یکی از همکاران کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (آقای نصرالله صالحی) با ایشان صورت گرفته است. که متن آن برای آگاهی خوانندگان در این جا درج می شود

با تشکر از این که دعوت کتاب ماه را برای این گفتگو پذیرفتید، همان طور که استحضار دارید در سالهای اخیر پاره‌ای از محققان به ویژه پژوهشگران بومی و محلی به تحقیق و پژوهش در تاریخ و فرهنگ و دیگر جنبه‌های منطقه خود اهتمام کرده‌اند و این کار آنها ثمرات خوبی هم داشته است. از جمله، انتشار پژوهش‌های بکر و تازه و نیز تصحیح منابع و متون ناشناخته. چنین کارهایی نه تنها از منظر تاریخ محلی حایز اهمیت است، بلکه اگر با دید کلی تر بنگریم از منظر ایرانشناسی نیز واجد اهمیت بسیار است. چون تا ما شناخت کافی و وافی نسبت به اجزای مختلف تشکیل دهنده ایران در ادوار گوناگون به دست نیاوریم، نمی توانیم از ایران به معنی اعم آن سخن بگوییم.

تا آنجا که بنده اطلاع دارم شما یکی از محققان پرتلاشی هستید که از سالهای گذشته بخشی از هم و غم خود را صرف شناخت و شناساندن زادگاهتان یعنی «کازرون» کرده‌اید و در این راستا، نسخی را نیز تصحیح کرده و مقالاتی منتشر کرده‌اید. از آن جمله: وقف نامه های کهن و کتیبه‌های کوفی کازرون و یا سیرت نامه شیخ امین الدین بلیانی

(مفتاح الهدایه و مصباح العنایه، تهران، روزنه، ۱۳۶۷) را به یاد دارم تلاش‌های شما با تاسیس انتشارات کازرونیه و چاپ چهار اثر ارزشمند شکل جدیتری به خود گرفته است.

با این مقدمه می خواستم ابتدا نظر شما را در باره اهمیت تاریخ های محلی در گستره ایرانشناسی بپرسم و بعد بپردازیم به دلایل توجه و اهتمام خاص شما به کازرونشناسی. به ویژه این که کازرون از لحاظ تاریخی و فرهنگی دارای چه ویژگی‌هایی است که پرداختن به آن را مهم جلوه می دهد؟

من هم متقابلا از لطف شما و توجه‌تان به آثار منتشر شده از سوی نشر کازرونیه سپاسگزارم. همچنان که اشاره فرمودید اکنون ضرورت بازنگری به تاریخ و فرهنگ ایران به ویژه در ارتباط با موضوع جهانی شدن و گفتگو یا تقابل فرهنگ‌ها بیش از هر زمان دیگر محسوس است. اما این حرکت، بر خلاف گذشته که از کلیات شروع شده و در کلیات هم باقی مانده است لازم است تا بیشتر به جزئیات بپردازد. منظورم از جزئیات، پرداختن و زیر ذره‌بین





قرار دادن حوزه های فرهنگی پنهان شده در کلیت ایران است. به نظر من گستره بزرگ جغرافیایی و پیشینه چند هزار ساله این سرزمین باعث شده تا بیشترین کم لطفی به حوزه های فرهنگی که در واقع اجزای اصلی این پیکره عزیز (ایران) هستند، بشود. یعنی مثلا اگر هر منطقه یا حوزه فرهنگی ایران مجبور بود برای اثبات خودش همه تاریخ و فرهنگ و هنرش را مکتوب و یا گرد آوری و منتشر کند آنگاه تازه می شد از تاریخ و فرهنگ ایرانی سخن گفت. شاید اصطلاح تاریخ محلی نیز در قیاس با عظمت و گستره فرهنگی و جغرافیایی برخی از این حوزه ها آنچنان هم اصطلاح مناسبی نباشد.

کارهای انجام شده در سال های اخیر حول محور حوزه های فرهنگی نیز قطعا بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است. اما شاید نکته ای که کمتر به آن پرداخته شده، این باشد که برای پرداختن همه جانبه به تاریخ و فرهنگ یک منطقه هنوز الگویی ارائه نشده است. بسیاری از کارهای انجام شده خودجوش و یک بعدی است. یعنی یک نفر که مثلا متخصص تاریخ است در یک کتاب کلی، علاوه بر زمینه اصلی تخصصش مجبور است به جغرافیا، گویش، مردم شناسی، نسب شناسی و اسناد و رجال آن منطقه هم بپردازد. و نتیجه کار هم قطعا به نوعی انحراف از تخصص خواهد بود. از سوی دیگر مراکز رسمی تشکیل شده در سال های اخیر نیز تا آن جا که میدانم هیچ برنامه همه سویه نگر مدون و زمانبندی شده برای پرداختن به آثار یک منطقه ندارند. یعنی نهایت لطف یک مرکز رسمی آن است که منتظر باشد تا فردی به یکی از صدها زمینه پژوهش در باب یک منطقه علاقمند شود و نتیجه کارش را پس از سالها تلاش به این گونه مراکز ارایه کند تا احیانا پس از گذر از هفتاد خوان مشکلات این روزگار به مرحله انتشار برسد. و اما این که چرا کازرون شناسی:

برای اثبات نکته یاد شده، یعنی لزوم وجود یک مجموعه کار همه سویه، منسجم و از همه مهمتر زمانبندی شده در باره یک حوزه فرهنگی که بتواند الگویی برای دهها و صدها منطقه و حوزه دیگر ایران باشد، به هر حال باید از جایی شروع کرد؛ و چون انجام چنین امری مستلزم اشراف بر جوانب مختلف یک منطقه و آشنایی با پژوهشگران و نیز کارهای انجام شده و یا در دست انجام می باشد، زادگاه خودم را برگزیدم. و البته سعی کرده و خواهم کرد تا به ورطه افراط نیفتم و به قول باستان شناسان سایت خود را مرکز همه تحولات عالم ندانم.

**یعنی فقط "حب الوطن" نبوده و واقعا در این منطقه ویژگی های بارزی هم وجود دارد؟**  
خوب، قطعا منطقه انتخابی باید جوابگوی اهداف ترسیم شده هم باشد. اولاً وسعت کازرون در

حال حاضر (که بخش هایی نیز در چند دهه اخیر از آن جدا شده است) چهار هزار کیلومتر مربع است. یعنی شاید بیش از برخی از کشورهای اروپایی. از حیث تنوع آب و هوایی (که خود مولد ویژگی های فرهنگی است) و داشتن مناطق کوهستانی، جنگلی، رود، دریاچه، خاک حاصلخیز و ... از یک سو و داشتن آثاری ارزشمند از دوره های پیش از تاریخ و تاریخی و اسلامی و به ویژه تاثیرگذاری بر حوزه های دیگر فرهنگی حتی خارج از مرزهای ایران - یکی از استثناهاست. یعنی حوزه فرهنگی این شهر بسیار گسترده تر از حوزه جغرافیایی آن است. در باب علما و شخصیت های فرهنگی و آثار خطی و اسناد و غیره هم کازرون یکی از مناطق شاخص ایران است.

**بدیهی است وقتی ما از حوزه های فرهنگی ایران صحبت می کنیم این حوزه ها بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی امروز است و قطعا می توان نمونه های فراوانی مثل حکومت شیرازی ها در شرق آفریقا را مثال زد. اما اگر ممکن است در باره یکی از این جریان های فرهنگی منسوب به کازرون توضیح بیشتری بدهید؟**

برای مثال می توانم از سلسله ابواسحاقیه، منسوب به شیخ ابواسحاق کازرونی (م ۴۲۶ق) که در تاریخ به سلسله مرشدیه یا کازرونیه هم شهرت دارد نام ببرم. جریانی که از قرن پنجم تا دهم نقش پر رنگی در عرصه فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی داشته است و قطعا علت اساسی تار و مار شدنشان در ابتدای ظهور صفویان همین قدرت و توان معنوی و نظامی و اقتصادی آنان بوده است. از حیث تاثیر گذاری بر جغرافیایی وسیع تر از شهر کازرون از رحله ابن بطوطه شاهد می آورم که وی از چگونگی وصول نذورات حاکمان و بازرگانان چینی و مسیر دریایی چین تا خلیج فارس سخن می گوید و به سرودی که دریانوردان این مسیر در هنگام مواجهه با طوفان می خوانده و از شیخ استمداد می جستند اشاره می کند. از سوی دیگر، هنوز هم در آنتاولی آثار خانقاه شیخ ابواسحاق و در شهر بوسا مسجد شیخ باقی است. کازرونی ها حتی در مصر نیز مسجد جامع داشته اند. سلسله مرشدیه دارای پرچم مخصوص و سپاه نظامی نیز بوده است و بر سکه های ضرب کازرون به جای محل ضرب، ضرب شیخ مرشد یا ضرب ابواسحاق نوشته می شده است. احکامی که از سوی بقعه شیخ مرشد صادر می شده است سنگین تر و برجسته تر از فرامین حکومتی بوده یعنی اگرچه کازرون در ظاهر مرکزی سیاسی نیست اما از چنان اعتباری برخوردار است که در این فرامین به جای مخاطب قرار دادن زیردستان، خواقین نامدار و سلاطین روزگار را مورد خطاب قرار می دهد و خوشبختانه، چند نمونه اصیل آن از قرن



خواهد پرداخت.

۲. آثار الرضا (در تاریخ و جغرافیای کازرون و شیراز)، تألیف صدر السادات سلامی، به تصحیح زهرا خوش بویی و موسی مطهری زاده، این کتاب تصحیح نسخه ای است که در ۱۳۲۷ قمری در شیراز در تعداد اندکی به چاپ سنگی رسیده بود. و نسبت به حجم کتاب نکات ناگفته‌ای در باب محلات و رجال و تاریخ و جغرافیای کازرون و شیراز دارد.

۳. قلعه پوسکان کازرون، تألیف لویی واندرن برگ، باستانشناس مشهور بلژیکی، ترجمه خانم شیرین بنی احمد، این کتاب یا مقاله بلند در سال ۱۹۹۰ میلادی ضمیمه مجله ایرانیکا آنتیکوا در فرانسه به چاپ رسیده و در معرفی بنای مشهور به قلعه دقیانوس در نزدیکی روستای پوسکان واقع در منطقه دادین کازرون است. روستای پوسکان، از جمله جاهایی است که در فرهنگ عامه، غاری منسوب به اصحاب کهف و خرابه‌هایی منسوب به شهر دقیانوس دارد.

۴. طب سنتی دوان، تألیف عبدالنبی سلامی، مؤلف در این کتاب علاوه بر طبابت سنتی، تعداد ۱۲۶ گیاه دارویی مورد استفاده در روستای دوان را همراه با نامهای مختلف، مزاج، ترکیبات شیمیایی و خواص درمانی گیاه گردآوری و معرفی کرده است.

غیر از این چهار اثر، چه آثار دیگری در حوزه کازرون شناسی منتشر خواهد شد. و این آثار توسط چه کسانی کار شده است.

چنان که گفته شد این کار برنامه‌ای مدون و دراز مدت دارد. گردآوری اطلاعات و پژوهش‌هایی که به صورت پراکنده چاپ شده و نیز ترجمه آثار مربوط به کازرون که به زبان‌های غیر فارسی منتشر شده است؛ سرعت بخشیدن به اتمام پژوهش‌هایی که توسط پژوهشگران بومی و یا ملی در دست اجراست؛ و ایجاد شرایط لازم برای انجام پژوهش‌های مغفول مانده از اهم اهداف نشر کازرونیه است. در مرحله اول این برنامه سعی می شود تا سه سال دیگر یعنی سال ۱۴۲۶ قمری که در واقع هزارمین سال درگذشت شیخ ابواسحاق کازرونی است حدود چهل جلد کتاب منتشر شود. برنامه سال ۸۲ ان شاء الله، انتشار حدود ۱۰ جلد کتاب خواهد بود. اهم آثاری که در آینده توسط نشر کازرونیه منتشر خواهد شد عبارتند از:

**معدن الدرر** که سیرتنامه‌ای است در مقامات

یکی از مشایخ سلسله مرشدیه که اهل گریت لرستان است و مدت سی سال ساکن در بقعه مرشدی کازرون بوده و سپس به شیراز مهاجرت کرده و پس از ساختن مسجد و مدرسه‌ای در محله موردستان شیراز، همانجا به خاک سپرده می شود.

هشتم برای ما باقی مانده است. شاید اهمیت نقش شیخ مرشد و جریان فرهنگی سلسله مرشدیه را بتوان با بیان میزان توجه مستشرقان و پژوهندگان برجسته نیز نشان داد. آربری، فریتز مایر، فؤاد کوپرلی، ژان کالمار، ویتک، حامد الگار از جمله کسانی هستند که مقالات و نوشته‌هایی در این باب دارند. آخرین کارهای انجام شده نیز توسط خانم دنیاز گل و در قالب دو مقاله مفصل درباره شیخ ابواسحاق و شیخ امین‌الدین بلبانی منتشر شده است.

آخرین نکته‌ای نیز که از سلسله مرشدیه دریافتی ام و در واقع تأییدی بر سخنان ابن بطوطه است، تصویری است از خانقاه شیخ ابواسحاق در کشور چین که در جریان سمینار تاثیر فرهنگی ایران بر حوزه مالایایی ( ۲ / ۹ / ۸۱، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) توسط جناب دکتر مظفر بختیار ارایه



عمادالدین شیخ الحکامی

گردید.

اگر ممکن است در باره آثاری که اخیراً از سوی نشر کازرونیه منتشر شده است به اجمال توضیحی بفرمایید.

سعی شده است تا سری اول آثار، خود، نمایی از ادامه کار را ارایه بدهد. یعنی چهار اثر در چهار زمینه گردآوری آثار و مقالات منتشر شده، «تصحیح متن»، «ترجمه» و «مردمشناسی» که به اجمال به شرح زیر هستند:

۱. کازرونیه (مجموعه مقالات کازرونشناسی،

دفتر اول) هدف این مجموعه گردآوری همه مقالاتی است که در طول سالیان در حوزه‌های مختلف مربوط به این منطقه منتشر شده است و ان شاء الله در ادامه کار به مقالات چاپ نشده نیز



این کتاب از قرن نهم هجری است و اطلاعات منحصر به فردی به‌ویژه در باره تاریخ دوره تیموری شیراز دارد. این نسخه توسط دکتر **عارف نوشاهی** و دکتر **معین نظامی** تصحیح شده است.

**شروط فارسی**، (نسخه خطی قرن نهم) از قاضی **بدرالدین محمد دریستی**. وی در بقعه مرشدی سمت قضاوت داشته و مجموعه‌ای از اسناد مربوط به کازرون قرن نهم را به عنوان نمونه‌های آموزش سندنویسی در کتاب خود آورده است. این کتاب نیز نسخه منحصر به فرد و ارزشمندی در شناخت اوضاع اجتماعی فارس در قرن نهم و به‌ویژه شناخت بقعه مرشدی و جغرافیای تاریخی کازرون در این دوره است.

**دیوان حیدر شیرازی** از شاعران ارزشمند و کم‌شناخته قرن هشتم هجری قمری، از آثار برجسته‌ای است که توسط دوست ارجمند جناب **سید علی میر افضلی** تصحیح و تحشیه شده است.

**دیوان محزون کازرونی**، (شاعر قرن دوازدهم) بر اساس یگانه نسخه باقیمانده از او که محفوظ در کتابخانه ملی ملک است و تنها نسخه و منبعی است که ما را از وجود این شاعر ارزشمند آگاه می‌کند. در پایان نسخه نیز قطعات بسیاری در تولدها و وفیات رجال کازرون و تاریخ بنای برخی از اماکن منطقه دیده می‌شود که بسیار معتبر است. این نسخه توسط جناب آقای **محسن ذاکر الحسینی** تصحیح شده است.

**کتیبه‌های پهلوی کازرون**، که در واقع جلد اول از کتیبه‌های کهن کازرون خواهد بود و توسط سرکار خانم دکتر **ژاله آموزگار** ارایه خواهد شد.

**قصه‌های محلی کازرون** اثر **شادروان محسن پزشکیان** با ویرایش آقای **عبدالنبی سلامی** از دیگر آثار در دست انتشار است. مرحوم **پزشکیان** از پژوهشگران پر تلاشی بود که سالها وقت خویش را صرف گردآوری آثار فولکلوریک حوزه کازرون کرد و متأسفانه در اوایل پیروزی انقلاب دچار حادثه شد: انتشار آثار ارزشمند او سال‌هاست که آرزوی اهالی منطقه است.

در زمینه گویش‌های شاخص منطقه، اثر **ارجمند دکتر صفار مقدم** در باره گویش **عبدویی** از دیگر آثار منتخب است.

در باب وقایع نهضت جنوب و نقش آزادی‌خواهان کازرونی **دومین تالیف آقای موسی مطهریزاده زندگی و اسناد ناصر دیوان کازرونی** از دیگر آثار آماده انتشار است. ارزش این مجموعه به‌ویژه به خاطر استفاده از اسناد شخصی **ناصر دیوان کازرونی** است.

مجموعه اسناد وقف کازرون، یعنی حدود یکصد و بیست سند اداره اوقاف شهرستان به صورت نمونه‌ای برای روشمندسازی تصحیح و پژوهش بر اسناد وقف در دست تکمیل است. بخشی از این کار با عنوان **فرهنگ واژگان اسناد وقف** (بر اساس ۱۲۰

سند اوقاف کازرون) توسط سرکار خانم **مریم میرشمسی** تهیه و آماده انتشار است. کتاب شناسی آثار باستانی فارس، اثر **علیرضا عسکری** و دفتر دوم کازرونی نیز از آثاری است که در سال ۸۲ منتشر خواهد شد.

آثار ارزشمند جناب آقای **حسن حاتمی** در حوزه گویش کازرون و جناب آقای **محمد مهدی مظلومزاده** در عرصه‌های مختلف فرهنگ مردم از پشتوانه‌ها و سرمایه‌های ارزشمند نشر کازرونیه برای انتشار در سالهای آینده است.

**شما در مقدمه دفتر اول کازرونیه از " طرح احیای تاریخ و فرهنگ کازرون " سخن گفته‌اید. علاوه بر نکات یاد شده، این طرح معطوف به برآورده کردن چه اهداف دیگری است؟**

فکر می‌کنم همه ما به نحوی این نکته را قبول داریم که فرهنگ و تاریخ، زمینه‌ساز هر گونه رشد و توسعه‌ای است. اما شاید کمتر به چگونگی ایجاد تحول در یک منطقه بر اساس یک بستر سازی فرهنگی پرداخته باشیم. از این منظر نیز این طرح می‌تواند نمونه‌ای برای سنجش این موضوع هم باشد. یعنی شهر کازرون در وضعیت کنونی، علی‌رغم این پیشینه درخشان، شهری توسعه نیافته است. رشد جمعیت آن منفی است و بیشتر یک شهر مهاجر فرست است. یعنی بیشتر کسانی که در عرصه علمی و یا اقتصادی توانمند می‌شوند، شهر را ترک می‌کنند. تذکر این نکته نیز شاید جالب باشد که جمعیت کازرونی‌های مقیم در شهر شیراز (یعنی حدود ۲۷۰ هزار نفر) برابر با جمعیت کل شهرستان کازرون است. و بدیهی است که نسل دوم و سوم مهاجران نیز دیگر تعلق به این شهر حس نخواهند کرد. به نظر من علت اصلی این عقب افتادگی، قطع پیوند با گذشته و ریشه‌های تاریخی است. بنابراین هدف اول ما آگاهی دادن به جامعه برای القای حس خودباوری است. یعنی اگر موفق شویم در یک مقطع زمانی کوتاه برای شهری که در طول چهل سال گذشته تنها چند جلد کتاب عمومی در باره آن نوشته شده، پنجاه جلد کتاب تخصصی و حرفه‌ای منتشر کنیم، مسلماً این پشتوانه غنی منشا تحولات عظیمی در منطقه خواهد بود.

حتی برای معرفی **نخبگان و مفاخر معاصر کازرونی** که بسیاری از آنها بیرون از شهر و کشور زندگی می‌کنند، مجموعه مصاحبه‌هایی در حال انجام است که به این وسیله علاوه بر شناساندن این افراد به ویژه به نسل جوان منطقه برآیند تا در طی این مصاحبه‌ها بخشی از تاریخ دوره معاصر منطقه را ثبت کرده و زمینه را برای ایجاد همکاری و انجام کارهای جمعی در باب توسعه این منطقه فراهم کنیم.

جناب آقای **شیخ الحکمایی** از اینکه وقتتان را در اختیار کتاب ماه تاریخ و جغرافیا قرار دادید تشکر می‌کنم.